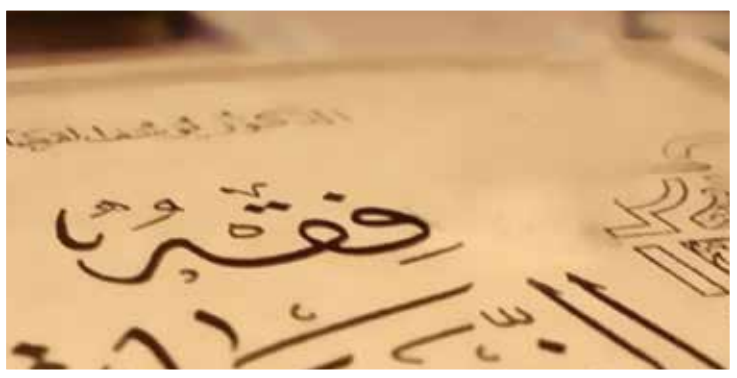


اسمت را در شهر شغل‌ها پیدا کن!

در شماره قبلی مجله رشد هنرجو درباره تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب کردن‌ها گفتیم. گفتیم که انسان در زندگی به‌طور دائم در حال انتخاب کردن است و طبیعی است در کار اقتصادی هم همین شرایط برقرار باشد. نکاتی را گفتیم که با آن‌ها بتوانید به‌خوبی انتخاب کنید و در تصمیم‌گیری‌هایتان حواستان جمع باشد. در این شماره می‌خواهیم درباره موضوع تخصص در بازار و اقتصاد صحبت کنیم که شما که هنرجویان با این موضوع ارتباط زیادی دارید.

حتماً شنیده‌اید که برای ماندگاری در بازار باید متخصص بود و نمی‌توان باری به هر جهت کار کرد. تا به حال به تابلوهای مکانیکی‌ها دقت کرده‌اید که روی هر

کدام چیزی نوشته است، درحالی که شما به همه آن‌ها می‌گویید مکانیک. یکی برق خودرو را تعمیر می‌کند و باتری‌سازی می‌کند، یکی دیگر موتور را تعمیر می‌کند، دیگری کار تعویض لاستیک را انجام می‌دهد یا تعویض روغنی است و... هر کدام از این‌ها متخصص یک بخش از خودرو هستند. ممکن است بتوانند سایر بخش‌ها را هم تعمیر کنند، اما به‌صورت تخصصی روی یک قسمت یا روی چند مدل خاص از ماشین‌ها تمرکز کرده‌اند. در واقع، شما که هنرجو هستید، انتخاب کرده‌اید که می‌خواهید در چه رشته و مهارتی تخصص پیدا کنید و از این نظر از دانش‌آموزان دیگر و حتی بعضی از کسانی که در دانشگاه مشغول به تحصیل هستند، جلوترید. حالا این انتخاب باید بر اساس انتخاب آزادانه شما و بقیه افراد باشد و در واقع در زمینه استعدادشان تصمیمی بگیرند، تخصص پیدا کنند. اگر یک جامعه و یک اقتصاد را بخواهیم تقسیم کار کنیم، تخصص‌ها همان تقسیم کارها هستند که یک نفر خیاط می‌شود، یک نفر برقکار، یک نفر آشپز، یک نفر مدیر گردشگری و خیلی کارهای دیگر.



در هر کدام از این تخصص‌ها درآمدی وجود دارد و منفعتی که این منفعت‌ها باید در جامعه عادلانه تقسیم شوند. یعنی چه؟ یعنی هر کس به اندازه میزان تلاشی که انجام داده و به‌اندازه لیاقتش، از این منفعت برخوردار شود. اگر قانون کار را مطالعه کنید یا مثلاً درباره مسئولیت کارگر و کارفرما مطالعه داشته باشید، متوجه خواهید شد که قوانین و قواعد این توزیع منافع چطور هستند. واقعیتش را بخواهید، این نظام تقسیم منافع به تخصص‌ها، بعضی جاها عادلانه نیست و باید درست شود، اما خیلی جاها هم درست است. مثلاً در بین همین تعمیرکاران خودرو مثال بزنیم. کسانی هستند که تخصص بیشتری دارند، وقت و تلاش بیشتری را برای یادگیری و شرکت در دوره‌های تخصصی تعمیر خودرو و دستگاه‌ها و فناوری‌ها و ماشین‌های جدید صرف کرده‌اند. این افراد معمولاً سرشان از بقیه شلوغ‌تر است و معروف هم هستند. طبیعی است که درآمد بیشتری هم دارند.





این از شخص خودتان. اما فراموش نکنید که ما در باورهای دینی مان قرار نیست فقط خودمان را ببینیم! و فقط به فکر خودمان باشیم.

آدم‌ها در جامعه به هم پیوسته هستند و سرنوشت جمعی شان به هم پیوند خورده است. پس نسبت به همدیگر تکالیفی داریم و این یک مسئولیت همگانی است. شاید شنیده باشید جمله‌ای را که برخی افراد برای فرار از این موضوع به بقیه می‌گویند: به شما چه ربطی دارد؟ یا به من چه؟ این اشتباه است. اگر بخواهم مثالی بزنم، باید بگویم که انگار ما در جامعه سوار یک کشتی هستیم و اگر یک نفر این کشتی را سوراخ کند، همه با هم غرق می‌شوند! یا اگر در یک بدن یک عضو آسیب ببیند، بقیه اعضا کمک می‌کنند بهبودی بدن به دست آید.

منظورم این است که تخصص داشتن نباید باعث شود فکر کنیم همه از هم جدا هستیم و یک جزیره مستقل داریم! تخصص داشتن و در عین حال مسئولیت مشترک داشتن در جامعه و نسبت به همدیگر، هر دو واقعیت دارند و در کنار هم معنا پیدا می‌کنند و رشد و پیشرفت یا شکست خوردن و عقب‌ماندگی دقیقاً به دست همه است. خداوند هم در آیه ۱۱ سوره رعد به این موضوع اشاره می‌کند که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر به دست خودشان. اگر در تاریخ هم بگردید، حتماً مثال‌هایی از این ماجرا خواهید دید که مردم یک جامعه رشد یا سقوط کرده‌اند و علت‌های آن چه بوده است.

از طرف دیگر، اگر تخصص داشتن افراد جامعه را نوعی تفاوت بین انسان‌ها در نظر بگیریم چنانچه این تفاوت به انحراف کشیده می‌شود نظام و قوانین درستی وجود نداشته باشد، بگذارید برایتان مثالی بزنم. در روم باستان مسابقاتی برگزار می‌کردند که طی آن جنگجویان را به جان هم می‌انداختند تا یکدیگر را بکشند تا اربابان آن‌ها به پول و ثروت برسند! یعنی کسانی بودند که قدرت بدنی و استعداد و تخصص رزم‌آوری داشتند. بعد عده دیگری می‌آمدند و آن‌ها را این‌طور به بردگی می‌گرفتند! دین اسلام با این‌ها مخالف است. اگر قوانینی درست و برگرفته از دین وجود نداشته باشند، از نعمت وجود تفاوت بین آدم‌ها این‌گونه سوء استفاده می‌شود. در اقتصاد، موضوع «تخصص» موضوع کلیدی و مهمی است، به‌خصوص برای شما هنرجویان که در حال یادگیری مهارتی هستید و با آن زندگی شغلی خود را خواهید ساخت.

حالا چه باید بکنید؟

شما در ابتدای راه یافتن تخصص و پذیرفتن یک نقش در تقسیم کار اقتصادی جامعه هستید. این مهارت شماست که می‌تواند برای شما موقعیت شغلی و درآمد و فرصت‌های اقتصادی ایجاد کند. ابتدا باید قدر هنرستان و مسیری را که به هر دلیل در آن پا گذاشته‌اید، بدانید و به این باور برسید که به شرط جدیت و پشتکارتان در ابتدای مسیر موفقیت هستید. اما قدم بعدی این است که آینده خود و کاری را که بناست بعد از فارغ‌التحصیلی از هنرستان انجام دهید و جایگاهی را که دوست دارید در آن باشید، برای خودتان مشخص کنید. اما این هم اول کار است. حالا برای این جایگاهی که هدف‌گذاری کردید، باید مشخص کنید چه آموزش‌هایی برای آن لازم دارید، چه موضوعاتی را باید یاد بگیرید و این جایگاه شما چه لوازمی دارد؟ این‌ها مشخص می‌کنند شما دقیقاً چه قدم‌هایی باید بردارید و متمرکز شوید به سوی یافتن تخصص خودتان و جایگاهی شغلی و اجتماعی که برای خودتان در نظر گرفته‌اید.